نگاهی به مسجد تاریخی شوش

خانجان چگنی، فرهاد

مسجد اساسی‏ترین و آشکارترین نوع بنای‏ مذهبی در اسلام است،و احداث مساجد در مقایسه‏ با سایر بناهای اسلامی همواره اهمیت بیشتری‏ داشته است.در صدر اسلام مساجد افزون بر اینکه‏ محل انجام فرایض و اقامه نماز بود،بلکه مرکزیت‏ سیاسی،اجتماعی،نظامی،علمی،قضایی و اداری نیز داشته است.مسجد تالار اجتماعات‏ مسلمین،خانه مستمندان،پناهگاه مظلومان، مکانی برای درس و بحث طلاب و محل ایراد خطابه،ابلاغ فرامین سلاطین،اعلام جنگ و بسیج‏ و اخذ مالیات بود و نقش مهمی در زندگی روزمره‏ مسلمانان داشت.

مساجد اولیه بناهای بسیار ساده بودند، در محوطه‏ای مربع و مستطیل شکل و رو به قبله،با دیوارهای خشتی ساخته می‏شدند(مانند مساجد مدینه،کوفه،بصره).در ایران از مساجد و بناهای‏ اولیه اسلام نمونه‏های زیادی به جا نمانده،ولی‏ طبق تحقیقات باستان شناسی و تاریخی مساجد شوش و فهرج از قدیمی‏ترین نمونه‏های مساجد در ایران دوره اسلامی به شمار می‏روند.(1)

این نوشتار بر آن است تا به کمک گزارش‏های‏ باستان شناسی و اطلاعات تاریخی و نیز مشاهدات‏ عینی نگارنده،به بازنگری و معرفی مسجد کهن‏ شوش بپردازد.قبل از ورود به مبحث مسجد، نگاهی گذرا به اوضاع شوش در قرون اولیه اسلامی‏ (زمان آبادانی مسجد)می‏افکنیم تا با اهمیت شوش‏ از نظر تاریخی،مذهبی و اقتصادی آشنایی‏ مختصری حاصل آید.

وضعیت شوش در قرون اولیه اسلامی

شوش در سال هفدهم هجری به دست لشکر اسلام فتح شد.(2)هنگامی که این شهر به تصرف‏ سپاهیان اسلام درآمد،به علت مقاومت شدیدی‏ که از خود نشان داد،صدمات فراوان دید.(3)اما بزودی اهمیت شوش با توجه به سوابق تاریخی و غنای تولید محصولات کشاورزی و موقعیت خاص‏ آن بر مسلمانان آشکار و مورد نظر و توجه حکام‏ جدید قرار گرفت و آبادانی خود را ادامه داد.شوش‏ صاحب پادگان نظامی و فرماندار حاکم شد و از آن‏ پس مالیات خود را به خلیفه پرداخت.(4)

به خاطر وجود مقبره حضرت دانیال پیامبر(ع) در این مکان،شوش مورد علاقه مسلمانان و یهودیان قرار گرفت و زوار مسلمان و یهودی برای \*شوش از اواخر قرن چهارم‏ هجری و طی قرن پنجم هجری‏ به بعد به دلایل نامعلومی‏ ارزش و اهمیت خود را به‏ عنوان یک شهر مهم از دست‏ داده،و اندک اندک آبادانی از آن‏ رخت بربسته است.

زیارت مقبره حضرت دانیال(ع)بدین شهر مسافرت‏ می‏کردند،و شوش به صورت یک شهر و مرکز مذهبی درآمد.(5)زیارت مقبره عواید اقتصادی‏ مهمی برای شهر در بر داشت.(6)

مدارک تاریخی و داده‏های باستان شناسی‏ گواهی از آبادانی شوش در قرن اول و دوم هجری‏ می‏دهند.تعداد متونی که به تعریف و تمجید از کشاورزی و بازرگانی شوش پرداخته‏اند بی شمار است،در این زمینه شوش از دو برگ برنده اصلی‏ بهره گرفته است،موقعیت و مقامی که در بازرگانی‏ میان رودان(بین النهرین)از آن برخوردار بوده و موقعیتی که در مرکز یک منطقه کشاورزی حاصلخیز داشته است.

در حدود قرن دوم هجری قسمت اعظم جمعیت‏ شوش را زرتشتیان،یهودیان و مسیحیان تشکیل‏ می‏دادند که هنوز به سبک دوران ساسانی در منطقه‏ تپه شوش و در قسمتهای آپادانا و شهرک سلطنتی‏ زندگی می‏کردند،در قسمت شرقی تپه که تا اندازه‏ای متروک بود بتدریج مسلمین مستقر شده، اولین مسجد خود را در شوش بنا نهادند که آرام آرام‏ اطراف آن مسکونی شده و به صورت مرکز اصلی‏ شهر شوش درآمد و رونق خاصی یافت،ولی‏ قسمتهای غربی تپه شوش بتدریج اهمیت خود را از دست داده،مرکز صنعتی شدند.(7)

از این نظر که شهر شوش تا چه زمانی آباد بوده، اطلاع دقیقی در دست نیست.اما احتمال می‏رود که از اواخر قرن چهارم هجری به بعد اعتبار خود را از دست داده،به طوری که مقدسی در اواخر قرن‏ چهارم هجری(375 هـ.ق)ضمن توصیف شهر، خاطر نشان می‏سازد که شهر شوش در وضعی ویران‏ قرار دارد و ساکنان آن در حومه شهر زندگی‏ می‏کنند.«شوش قصبه‏ای است خوش و آبادان با مردم نیک اندیش و بازارهای روشن،نان نیکو، آبهای روان آسیاهای شهر را می‏گرداند،گرمابه‏ها پاکیزه،شیرینی ارزان،آبادیها دلگشا،حومه‏اش‏ زیبا نعمت فراوان،نیشکر شگفت انگیز،دانش، قرآن،حدیث،ادب،سنت و جماعت دارند. جامعی هموار،با ستونهای گرد دارد...شهر ویرانه است و مردم در ربض زندگی می‏کنند(8). در نیمه قرن ششم هجری ادریسی از شوش به عنوان‏ شهری که هنوز از جمعیت برخوردار بوده است، سخن می‏راند(9).حمد الله مستوفی که در قرن‏ هشتم هجری(740 هـ.ق)،یعنی پس از دوره‏ مغول شوش را دیده،درباره آن چنین‏ آورده:«سوس از اقلیم و شهری وسط است و گرمسیر مهالیل بن قینان بن انوش بن شیث بن آدم‏ ساخت و این اولین شهر است که در خوزستان بنا گردید و هوشنگ بر آن عمارت افزود آنجا قلعه‏ محکم ساخت و بر آن قلعه دیگر ساخت که در غایت‏ استحکام بود شاپور و ذو الاکتاف تجدید عمارت‏ آن شهر کرد و شاپور خوره خواند و شکلش بر مثال‏ باز نهاده بود گور دانیال پیغمبر بر جانب غربی آن‏ شهر است.در میان آب(10)بیش از این مستوفی‏ مطلب خاصی در خصوص اوضاع شهر ندارد. از چگونگی توصیف مستوفی می‏توان چنین نتیجه‏ گرفت که مسلما در این زمان و شاید در اثر حمله‏ مغول،شوش بکلی رونق و اهمیت ادوار اولیه‏ اسلامی خود را از دست داده بوده باشد.(11)

با توجه به مطالبی که ذکر شد،شوش از اواخر قرن چهارم هجری و طی قرن پنجم هجری به بعد به دلایل نامعلومی ارزش و اهمیت خود را به عنوان‏ یک شهر مهم از دست داده،و اندک اندک آبادانی‏ از آن رخت بربسته است و از آن زمان به بعد رو به‏ خرابی و ویرانی نهاد.سرانجام در قرون هفتم و هشتم هجری،بکلی متروک گشت.از قرن هشتم‏ تا سیزدهم هجری برابر با قرن نوزدهم میلادی وضع‏ به یک منوال بوده و در این دوره طولانی حیات‏ در آنجا به رفت و آمد زائرین آرامگاه حضرت‏ دانیال(ع)منحصر گشته است.از قرن نوزدهم‏ میلادی به بعد مجددا مردمانی در این مکان به گرد حرم حضرت دانیال(ع)ساکن شده و این شهر کهن‏ بار دیگر رونق خود را بازیافته است.

پیشینه مطالعات باستان شناسی‏ مسجد شوش

وسعت محوطه باستانی شوش بنا بر شواهد باستان‏شناسی نزدیک به چهارصد هکتار است.این‏ محوطه پهناور در بین دو رود بزرگ کرخه(در غرب)و دز(تقریبا در شرق)جای گرفته است.در دهه‏های پایانی قرن نوزدهم میلادی وقتی پای‏ فرانسویان به شوش رسید،پس از تهیه نقشه‏های‏ مختلف بر اساس وضعیت تپه‏ها و نشیب و فرازهای‏ آن،این محوطه را به چهار قسمت تقسیم و نام‏گذاری کرده‏اند که امروزه نیز به همین نامها شهره‏اند.

تپه بلندتر که در جنوب غربی واقع شده را «ارگ»یا«اکروپل»(12)،تپه شمالی را«آپادانا»(13)، تپه سوم که در شرق این دو تپه جای دارد را«شهر شاهی»نام دادند و کلیه محوطه سمت شرق و شمال این فضای پهناور را به نام«شهر صنعتگران» یا پیشه‏وران یاد کرده‏اند.(14)

شهر صنعتگران پهنه وسیعی است که از تپه‏ها و اراضی تاریخی تشکیل شده،که عموما دارای‏ بقایای آثاری مربوط به اوایل اسلام است.بقایای‏ مسجد بزرگ و قدیم شوش در این منطقه کشف‏ شده است که بقایای دیوارهای آن بوضوح قابل‏ مشاهده است.

طی سالهای 1947 و 1948 میلادی پرفسور گیرشمن(15)در تپه موسوم به«شهر صنعتگران» تفحصاتی انجام داد که تا آن تاریخ سابقه نداشت. در این محل سه طبقه از زیر خاک بیرون آمد که‏ ضخامت هر کدام از آنها یک تا دو متر و همه از دوران اسلامی بود.در این تپه آثار مسجد قدیمی‏ شوش پیدا شد.در طبقه پایین‏تر گورستانی از دوران اشکانی و سلوکی قرار داشت(از 300 پیش‏ از میلاد تا 200 بعد از میلاد)(16).وجود گورهای‏ زیاد از دوره‏های مختلف قبل از اسلام در این‏ محل،نشانگر آن است که این تپه بعدا به صورت‏ گورستانی درآمده است.وقتی مسلمانان وارد شوش شدند احتمالا تنها این تپه فاقد هر نوع \*اهمیت مسجد کهن شوش نه‏ تنها به خاطر قدمت آن است،بلکه‏ این مسجد در عداد مساجد ستوندار اولیه بوده،و قابل‏ مقایسه با مساجد ستوندار اولیه‏ در کوفه و سیراف و نیز مسجد تاریخانه دامغان،که از روشهای‏ قبل از اسلام ایران الهام یافته‏اند است.

ساختمانی بوده و به صورت سکوی صافی درآمده‏ بود؛بنابراین ساختمانهای دوران اسلامی در روی‏ آن بر پا شد.مهمترین بنایی که گیرشمن موفق‏ می‏شود از زیر خاک بیرون بیاورد باقیمانده‏های این‏ مسجد بود که نزدیک مرتفع‏ترین نقطه این تپه قرار داشت.

اطلاع دقیقی در دست نیست که مسجد شوش‏ در چه تاریخی ساخته شده است.گیرشمن به کمک‏ سکه‏هایی که در محل مسجد به دست آورده،تاریخ‏ احداث آن را تخمین زده است؛او بهترین مدرک‏ برای تاریخ گذاری این مسجد را یکی از قدیم‏ترین‏ سکه‏هایی دانسته که در دوران اسلامی و به سبک‏ ضرب سکه‏های بیزانس تقلید شده است.وجود این سکه در این مسجد،باعث شده تا وی ساختمان‏ مسجد را قدیمی‏ترین بنای مذهبی اسلامی در ایران‏ دانسته،و بنای آن را به حدود اواخر قرن اول‏ هجری نسبت می‏دهد.و پایان عمر این مسجد را قرن هفتم هجری می‏داند.(17)به نظر گروه دیگری‏ از باستان شناسان این مسجد دو لایه داشته،و آنها برای مسجد شوش دو دوره ساختمانی قائل هستند؛ ساخت مسجد اولیه را تقریبا اواسط قرن اول هجری‏ می‏دانند و معتقدند بعد از ویرانی مسجد اولیه،در آغاز قرن دوم هجری مسجد قدیمی را با آجر بازسازی و بزرگتر بنا کرده‏اند.این محققان‏ بر خلاف نظر گیرشمن،پایان عمر مسجد شوش را قرن پنجم هجری می‏دانند.(18)

فرجام سخن اینکه اهمیت مسجد کهن شوش‏ نه تنها به خاطر قدمت آن است،بلکه این مسجد در عداد مساجد ستوندار اولیه بوده،و قابل مقایسه با مساجد ستوندار اولیه در کوفه و سیراف(19)و نیز مسجد تاریخانه دامغان،که از روشهای قبل از اسلام ایران الهام یافته‏اند است.و از سوی دیگر دارای خصوصیاتی است که ما را به معماری قبل‏ از اسلام ایران متوجه می‏کند.(20)مسلما مطالعه و بررسی مسجد شوش ما را با چگونگی شکل‏گیری‏ معماری اسلامی ایران،بویژه معماری مساجد ایرانی،بیشتر رهنمون خواهد ساخت.

(1)-محمد یوسف کیانی،تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی،تهران،انتشارات سمت،1374،ص 40.

(2)-احمد بن یحیی البلاذری،فتوح البلدان(بخش مربوط به ایران)،ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش به تصحیح محمد فرزان،تهران،سروش،1364،صص 134-133،و نیز ر ک:محمد بن جریر طبری،تاریخ یا تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابو القاسم پاینده،تهران،اساطیر،1362،جلد 5، ص 1894.

(3)-شیرین بیانی،هشت مقاله در زمینه تاریخ،تهران، توس،1352،ص 138.

(4)-ژان پرو و ژنوییو دلفوس،شوش و جنوب غربی‏ ایران،تاریخ و باستان شناسی،ترجمه هایده اقبال،تهران، مرکز نشر دانشگاهی،1376،ص 255.

(5)-عزت الله نگهبان،شوش یا کهنترین مرکز شهر نشینی‏ جهان،تهران،سازمان میراث فرهنگی،1375،ص 375.

(6)-ژان پرو،همان کتاب،ص 257.

(7)-نگهبان،همان،ص 375.

(8)-ابو عبد الله محمد بن احمد مقدسی،أحسن التقاسیم‏ فی معرفة الاقالیم،ترجمه علینقی منزوی،بخش دوم، تهران،نشر شرکت مؤلفان و مترجمان ایران،1361،ص‏ 609.

(9)-ژان پرو،همان،ص 275.

(10)-حمد الله مستوفی،نزهة القلوب،باهتمام و تصحیح گای لسترنج،تهران،دنیای کتاب،1362، ص 111.

(11)-شیرین بیانی،همان کتاب،ص 140.

(12)- eloPorcA

(13)- anadaPA

(14)-میر عابدین کابلی،«شوش و میراث باستانی دشت‏ شوشان»مجله میراث فرهنگی(ویژه‏نامه نخستین گردهم‏آیی‏ باستان شناسی ایران)،شماره 12،تابستان و پائیز 1373، ص 138-119.

(15)- namoR namhsrihG

(16)-لوئی واندنبرگ،باستانی شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام،تهران،دانشگاه تهران،1348،صص‏ 83-82.

(17)-عیسی بهنام،همان صص 73 و 77.

(18)- M.narvreK , A.ellueguoR , tiC.PO , 39-10. .PP

(19)-درباره مسجد سیراف ر ک:غلامرضا معصومی، سیراف«بندر طاهری»،تهران،انجمن آثار ملی،1352، صص 67-66.

(20)-عباس زمانی،همان،ص 86.